

## نسبت‌سنجی ابعاد دین و هویت ملی در فلسفه سیاسی شیخ اسماعیل محلاتی

محمدصادق بهشتی\* / مجید توسلی رکن‌آبادی\*\* / سید مصطفی ابطحی\*\*\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان طرفدار نظام سیاسی مشروطیت در عصر مشروطه، شیخ اسماعیل محلاتی می‌باشد. فلسفه سیاسی مرحوم محلاتی گویای تعاملی نظری میان مفهومی نوین چون هویت ملی و دین است. در نوشتار پیش رو پس از بررسی مفهومی و نظری دو مفهوم دین و هویت ملی با روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای به شناسایی شاخصه‌های دین و هویت ملی و نسبت‌های میان این دو مفهوم در آرای شیخ اسماعیل محلاتی مبادرت ورزیده‌ایم. این نسبت‌ها در حوزه‌هایی هم چون بعد شعائر دینی با بعد سیاسی هویت ملی، بعد شعائر دینی با بعد اجتماعی هویت ملی، بعد تشکیلاتی دین با بعد سیاسی هویت ملی و... مشاهده می‌شود.

### واژگان کلیدی

دین، فلسفه سیاسی، محلاتی، هویت ملی، ابعاد.

---

\*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
sadegh.beheshti@gmail.com

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
tavasoli@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
m.abtahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۲

## طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در حوزه فلسفه سیاسی اندیشمندان مسلمان عصر مشروطیت به مواجهه این اندیشمندان با مفاهیمی نوین هم چون هویت ملی، دولت ملی، ناسیونالیسم، پارلمان و ... باز می‌گردد. گذار مفهومی ملت در معنای شریعت به مردم دارای سرزمین، نقطه عزیمتی است بر آنچه در عصر مشروطیت، حوزه‌های نظریه‌پردازی گوناگونی در باب نسبت‌هایی تعامل‌گرا و یا تقابل‌گرا میان دین با هویت ملی ایجاد نمود. از اصلی‌ترین تعارض‌ها میان این مفاهیم نوین با نهاد دین به تحول جایگاه دین در پیوند با هویت ملی باز می‌گردد. تا پیش از انقلاب مشروطه، دولت اساساً مشروعیت خود را از نهاد دین می‌گرفت. بدین ترتیب دولت حافظ دین بوده و وفاداری به دین را در میان توده مردم تضمین می‌ساخت. اما در اثر وقوع تحولات منجر به شکل‌گیری انقلاب مذکور که به طرح مفهوم هویت ملی در معنای غیرمذهبی و ملی توسط روشنفکران عرفی انجامید، چالش‌هایی در حوزه نسبت قدیمی میان دین و هویت ملی ایجاد می‌گردد. شیخ اسماعیل محلاتی در کنار افرادی چون میرزای نائینی که هر دو از مکتب عقلی اصولی مرحوم آخوند خراسانی سیراب گشته بودند، راه صحیح مواجهه با تجدد و مفاهیم مرتبط با آن را نه تقابل صرف و نه پذیرش بی‌چون و چرا بلکه بررسی و نقد مفاهیم مذکور و انطباق آن با نهاد دین با رویکردی تعامل‌گرا یافتند. اندیشه‌های مرحوم شیخ اسماعیل محلاتی در این راستا گویای نوآوری‌هایی در حوزه نسبت‌هایی است که میان ابعاد گوناگونی از دین با هویت ملی برقرار نموده است. بدین سان طرح بهترین نظام سیاسی مورد پیشنهاد محلاتی که گویای فلسفه سیاسی‌اش است، هم راستا و هم جهت با نسبت‌های مذکور در حوزه دین و هویت ملی می‌باشد. بدین ترتیب دغدغه اساسی پژوهش حاضر تأملی نظری پیرامون این نسبت‌ها در فلسفه سیاسی شیخ اسماعیل محلاتی خواهد بود.

## ملاحظات مفهومی و نظری در مورد دین و هویت ملی

اساساً جهت نسبت‌سنجی میان مفاهیمی چون دین و هویت ملی به سبب انتزاعی و کلی بودن، نیازمند یافتن ابعاد و شاخصه‌های مرتبط با آن می‌باشیم. بر این اساس اجمالاً ضمن بررسی مفهوم‌شناختی دین و هویت ملی، ابعاد و شاخصه‌های مفاهیم مذکور را جهت روشن ساختن نسبت‌های آن در فلسفه سیاسی مرحوم محلاتی باز می‌شناسیم.

هویت به دو نوع کلی هویت فردی و هویت جمعی (یا اجتماعی) قابل تقسیم است. هویت فردی بیشتر در علم روان‌شناسی مطرح و به مشخصه‌های فردی تمایز بخش فرد از دیگر افراد که به وی تشخیص می‌بخشد اشاره دارد. هویت جمعی در برابر هویت فردی قرار می‌گیرد و همان هویتی است که فرد در جامعه و از طریق ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه آن را کسب می‌کند. (اکبری، ۱۳۹۳: ۳۲۶ - ۳۲۳) این‌گونه

هویت دارای انواعی چون هویت خانوادگی، هویت قومی، هویت ملی، هویت امتی، هویت بین‌المللی (جهانی) می‌باشد. بدین سان هویت ملی یکی از انواع هویت جمعی می‌باشد و به بالاترین سطح آن اشاره داشته و به‌عنوان بارزترین مرجع هویت جمعی در عصر مدرن شناخته می‌شود. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۸) همچنین هویت ملی دارای پنج بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. (قوام و زرگر، ۱۳۸۸: ۳۰۳)

جهت شناسایی هر یک از ابعاد فوق‌الذکر نیازمند توجه به مؤلفه‌ها و یا عناصر سازنده هر یک از هویت‌های ملی اجتماعی، هویت ملی سیاسی، هویت ملی فرهنگی و هویت ملی جغرافیایی می‌باشیم. در جدول ذیل (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲۰ - ۱۹) ابعاد گوناگون هویت ملی به همراه مؤلفه‌های آن آورده شده است:

جدول (۱)

مفاهیم	مؤلفه‌ها
هویت ملی اجتماعی	اعتقاد نسبت به وجود جامعه ملی ایرانی ضرورت وجود جامعه ملی ایرانی احساس عضویت در جامعه ملی ایرانی تمایل به عضویت در جامعه ملی ایرانی احساس تعلق به جامعه ملی ایرانی تعهد به حفظ جامعه ملی ایرانی نگرش نسبت به دیگران متعلق به ملت باورهایی در باب ریشه‌های اجتماع ملی اعتقاد راجع به سرنوشت و آینده جامعه ملی احساس افتخار یا نفرت نسبت به عضویت در جامعه ملی تمایل به پرداختن هزینه لازم برای عضویت در جامعه ملی ایران پذیرش دیگران به‌عنوان هم وطن نگرش نسبت به مبانی هم‌بستگی و همکاری اجتماعی اعتقاد به ضرورت وحدت و هم‌بستگی سیاسی و اجتماعی کل جامعه سیاسی ایران دفاع از یکپارچگی و هم‌بستگی سیاسی جایگاه و نقش مردم در ارتباط با حکام در ساختار سیاسی جایگاه و نقش خود در ساختار سیاسی
هویت ملی تاریخی	تعریف و تعیین دوره تاریخی ملت ایران احساس تعلق به دوره‌های تاریخی احساس افتخار و نفرت نسبت به تعلق و سابقه تاریخی

مفاهیم	مؤلفه‌ها
<p><b>هویت ملی جغرافیایی</b></p>	<p>تصور محدوده جغرافیایی ملت ایران نگرش (مثبت یا منفی) نسبت به آب و خاک نگرش نسبت به جایگاه سرزمین ایران در کره زمین نگرش مناسب یا نامناسب بودن سرزمین برای زندگی و سعادت ارجح دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر دلبستگی و تعلق به سرزمین ایران آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن علاقمندی به یکپارچگی سرزمین در آینده احساس آرامش و آسایش در صورت زندگی در این سرزمین، تربیت و نام‌گذاری فرزند</p>
<p><b>هویت ملی فرهنگی</b></p>	<p>ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی اعتقاد و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی</p>
<p><b>هویت ملی سیاسی</b></p>	<p>ارزش‌گذاری به ساختارهای سیاسی گذشته اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی دارای ارزش‌های همه‌پسند در کشور دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی اعتقاد به وجود یک ساختار سیاسی یکپارچه از تاریخ گذشته نوع ایدئولوژی سیاسی مناسب برای نظام سیاسی مطلوب آنها نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور منبع قدرت نظام سیاسی جایگاه و نقش خود را در سیستم چگونه ارزیابی می‌کنند (شهروند، رعیت، سالار، حاکم) نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه نگرش نسبت به حکام گذشته در نظام‌های سیاسی گذشته جایگاه کشور در نظام بین‌المللی دفاع از تصمیم‌گیری‌های سیستم سیاسی کشور (غلط یا درست) حمایت از سیاست‌های کلان کشور</p>

## دین

از آنجا که دین یکی از بزرگ‌ترین عوامل محرک و تبیین رفتار انسان چه در حوزه‌های فردی و چه اجتماعی می‌باشد، تبیین این مهم، اولین حوزه دل‌بستگی همه دیدگاه‌های نظری در راستای مطالعه دین و به‌عنوان عنصری هویت بخش می‌باشد.

دین به‌معنای «مجموعه به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان، جامعه و جهان پس از مرگ می‌باشد که هدف آن هدایت انسان به سوی روش بهتر زیستن و کامل‌تر شدن است.» (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۷۴) بدین سان شاخص همیشگی و ماهوی دین، اندیشه‌ای نظام یافته در زمینه جهان‌بینی و شریعت با هدف رشد و تعالی انسان در زندگی این دنیا و فرجام آن می‌باشد. (همان: ۷۵) بدین سان مخرج مشترک همگی ادیان سعادت، رشد و کمال آدمی می‌باشد. برخی جامعه‌شناسان مانند نینیان اسمارت<sup>۱</sup> برای همه ادیان، ابعادی مشترک در نظر گرفته‌اند. این ابعاد عبارتند از:

### ۱. بُعد آموزه‌ای، عقیدتی یا فلسفی<sup>۲</sup> (به اضافه امور مربوط به آخرت)

این بعد اشاره به مجموعه تعالیم مرتبط با باورهای انسان دارد. این تعالیم در نوع رفتار و جهت‌دهی به آنها تأثیر اساسی داشته و حوزه عقیدتی دین را تشکیل می‌دهد. مانند خداشناسی، صفات و افعال خدا، ارتباط انسان با خدا و غیره.

### ۲. بُعد اسطوره‌ای یا داستانی<sup>۳</sup>

منظور از بعد اسطوره‌ای دین، الهیات داستانی یا همان مطالعات ذات خداوند و حقیقت دینی آن‌گونه که در قصه‌های دینی وارد شده می‌باشد. گزاره‌هایی که استدلال‌پذیر و مربوط به بعد عقیدتی نباشد و به بعد اسطوره‌ای دین اشاره دارد. باورهای قلبی انسان مانند شناسایی خدا، جهان و انسان اگر استدلال‌پذیر باشد بعد عقیدتی و نه اسطوره‌ای دین را نشان می‌دهد.

### ۳. بُعد اخلاقی یا حقوقی (فقهی)<sup>۴</sup>

این بعد اشاره به بایدها و نبایدهای خردپذیر داشته که تقریباً میان ادیان مشترک است. در واقع بایدها و نبایدهای خردگریز بعد عبادی دین را (قسمت بعد) تشکیل می‌دهد.

### ۴. بُعد شعائر یا عملی<sup>۵</sup>

این بعد به دستوراتی اشاره دارد که در ادیان به انجام آنها سفارش و راهنمایی شده است. بدین سان خردپذیر نیست؛ چون اگر تعالیم دینی مربوط به آن نبود عقل انسان توانایی دست یافتن به آنها را نداشت.

1. Ninian Smart.
2. Doctrinal or philosophical "including eschatological.
3. Mythic or narrative.
4. Ethical or legal.
5. Ritual or practical.

۵. بُعد تجربی یا احساسی<sup>۱</sup>

این بعد در چارچوب «انتظار از دین» قابل طرح بوده و مربوط به کسانی است که دستیابی به غایت دین را در گروهی پذیرش دین و دستورات آن می‌دانند. مؤمنان ممکن است هدف از انجام عبادات را تماس با جهان نامرئی و ورود به آن بدانند. بعد تجربی دین به همین گروه مربوط می‌شود. انتظار از دین توسط دین‌باوران دین‌شناس دستیابی به یک تحول درونی، شهود و مکاشفه است که همان «تجربه دینی» نام دارد. باورمندان به ادیان مختلف همگی غایت و هدف دین را همان شهود و تجربه دینی (که در هر دین تفسیر متفاوتی دارد) فراتر از بعد مادی انسان می‌دانند.

۶. بُعد تشکیلاتی یا اجتماعی<sup>۲</sup>

این بعد به شیوه‌ای که دین در قالب نهادها و آموزه‌هایش بر جامعه تأثیر گذاشته و اجرا می‌گردد، اشاره دارد. بعد اجتماعی آثار و پیامدهای اجتماعی دین را مد نظر قرار می‌دهد. این‌گونه جنبه‌ها گاهی به جنبه‌های اجتماعی محتوا و گوهر دین (مانند مسجد، کلیسا و کنیسه و غیره) و گاهی به جنبه‌های اجتماعی مربوط به تحقق خارجی دین (مانند جنگ‌ها، کشمکش‌های سیاسی اجتماعی، علل تقسیم مردم به مؤمن و کافر و غیره) اشاره دارد.

۷. بُعد نمادهای مادی یا هنری<sup>۳</sup>

۸. بُعد سیاسی و اقتصادی<sup>۴</sup> (حسینی شاهرودی به نقل از نینیان اسمارت، ۱۳۸۳: ۵۵ - ۴۶)

## سیری در فلسفه سیاسی مرحوم شیخ اسماعیل محلاتی

محمداسماعیل محلاتی از شاعران، مراجع تقلید و فقهای نجف و از همفکران محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی در جریان نهضت مشروطه می‌باشد که با نگارش اثر *الثالی المربوطة فی وجوب المشروطه* با موضوع تشریح حکومت مشروطه به دفاع از آن پرداخت. این فقیه حامی مشروطه علاوه بر کتاب *الثالی* با نگارش رساله‌هایی در *مجلات العری* و *درّة النجف انطباق مشروطیت و اسلام* را تبیین نمود. رساله‌های مذکور به تأیید دو مجتهد بزرگ نجف در آن دوران، یعنی آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی رسید. آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، محلاتی را در کنار فقهای چون محمدحسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و سید مصطفی کاشانی شایسته عضویت در هیئت پنج نفره مجتهدان موضوع اصل دوم قانون اساسی دانستند. وی در اول آبان ۱۳۰۱ (برابر با سوم ربیع الاول ۱۳۴۳) در

1. Experiential or emotional.
2. Organizational or social.
3. Material or artistic / symbolic.
4. cf. Wallace Jr. 'W.J' Political and economic.

سن ۷۴ سالگی، در نجف درگذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. (پزشکی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۲۷۶ - ۲۷۵)

محلاتی در اوایل رساله سیاسی‌اش از انگیزه‌های ورود خود به سیاست سخن رانده است. به‌گونه‌ای که در رساله اللئالی ضمن ترسیم شرایط آن روز ایران که:

با بلند شدن ندای مشروطیت، صحبت از مشروطیت سلطنت و محدود شدن ادارات دولت در میان نوع مردم مطرح گشت و آنان خواستند خود را از مفسد غیر محصوره بر اطلاق شهوات سلطنت استبدادیه تباه‌کننده دین و دنیای خود برهانند. (محلاتی، ۱۳۷۴: ۴۹۶)

ضرورت نگارش چنین رساله‌ای را به تصویر می‌کشد. بر این اساس با نگارش اللئالی المربوطة فی لزوم المشروطة به تطبیق مشروطیت و شریعت اقامه استدلال کرد. (همان) وی همچنین آثار دیگری مانند ارشاد العباد الی عمارة البلاد و لایحه‌ای در باب «کشف حقیقت مشروطیت» به پاسخ دادن به شبهات و شایعاتی در مورد مبانی اسلام و مشروطیت می‌پردازد. بدین سان انگیزه وی نیز همانند دیگر علمای اصولی حامی مشروطه رفع ظلم و ستم و استبداد به مردم در چارچوب مشروطیت و ردّ غیر شرعی دانستن نظام مشروطیت می‌باشد. (همان: ۷۳ و ۷۵)

سیاست در نگاه محلاتی به‌منزله دستگاه تحدید قدرت سیاسی و در حوزه و قلمرو عرف دیده می‌شود. وی معتقد است مردم خودشان مختار به انتخاب شیوه صحیح حکومت هستند. آن شیوه‌ای است که بتواند آنان را به نحو بهتری در مؤمنانه زیستن یاری دهد. وی معتقد است متون دینی بر قواعد شورایی سیاست تأکید ورزیده و تجلی این امر در زمانه وی شیوه حکومت مشروطیت می‌باشد. (محلاتی، ۱۳۸۵: ۲۹۹ - ۲۹۸)

محلاتی فقیه را چون دیگر مردم، غیرمعصوم و جایزالخطا می‌داند. بدین سان در امر واگذاری جان و مال مردم به وی اشکال وارد می‌کند. وی در قیل مسئله مشروعیت حکومت در عصر غیبت، تمامی حکومت‌ها چه استبدادی و چه مشروطه را غیرمشروع می‌داند. اما به سبب اینکه جهت گذران زندگی مسلمانان نیاز به یک سازوکار اجرایی می‌باشد بر ضرورت تأسیس حکومت حافظ دین و دنیای مردم، ناهی منکرات اسلامی و حفظ حدود و ثغور اسلام تأکید می‌ورزد. (همان، ۱۳۷۴: ۴۸۶ - ۴۸۵)

موافقت با مشروطه در چارچوب سه محور در اندیشه محلاتی مورد تأکید است. رفع ظلم و یاری مظلوم که بر این اساس مجلس شورا پذیرفته می‌شود، مشروطه به‌عنوان حافظ قلمرو اسلام و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر. (همان: ۱۹۷)

وی با تبیین نظام‌های سیاسی و مختصات و ویژگی‌های آنها معتقد است این نظام‌ها از گونه‌های ذیل خارج نمی‌باشند: سلطنت (مشروطه و مطلقه) و سلطنت مطلقه (ولایتیه و استبدادیه).

سلطنت مطلقه ولایتیه در نظر محلاتی نظامی است که نوع ملت، مصالح عامه و فواید مربوط به توده را مالک است. اما نه به صورتی که افرادی واسطه، تحت عنوان هیئت امنای تشکیل شده، در جهات گوناگون جامعه دخالت کنند، بلکه خود حاکم به چنین کاری اقدام می‌کند و در این راستا مشاورانی را می‌گمارد که هیچ‌گونه تساهل و تسامحی انجام نپذیرد. محلاتی چنین ولایتی را جهت تقریب به ذهن به «ولی اوقاف» تشبیه می‌کند؛ یعنی همان‌طور که شخص ولی، به تمام مصالح وقف به صورت نظری و عملی رسیدگی کرده، بدون حیف و میل به موقوف‌علیهم می‌رساند، حاکم نیز مصالح امت را در تصرفات امور عامه دخالت می‌نماید، چنان‌که مبنای ریاست انبیا و خلفای پس از آنها در امم خود به این قیاس است و این نحو از پادشاه، هم عقل علمی مملکت و هم عقل عملی خواهد بود. در نتیجه پادشاه باید همه آن صفات کمالیه‌ای که در سیاست مدنی محل احتیاج است، دارا باشد؛ در غیر این صورت، (اگر در هریک از این دو جهت نقصی فرض شود) سبب فساد مملکت و باعث حدوث اختلال در نظام ملت خواهد شد و از این جا است که شیعه اعتقاد دارد امام باید در قوه نظریه خالی از خطا و در قوه عملیه عاری از هوا باشد تا به سبب خطای او در نظر یا هوا و هوس او در عمل، فساد مترتب نشود. در حقیقت این نوع از حکومت، همان حکومت امام معصوم علیه السلام است که در زمان حیات و حضور امام، مقدور خواهد بود. (محلاتی، ۱۳۷۴: ۴۹۹ - ۴۹۸)

محلاتی در نقطه مقابل سلطنت مطلقه ولایتیه از سلطنت مطلقه استبدادیه سخن می‌راند. وی سلطنت مطلقه استبدادیه را نظامی می‌داند که:

افراد جامعه به‌طور کلی مسلوب الحق بوده باشند. نه فقط کلیه فواید مملکت، حق طلق شاه است، بلکه اموال شخصیه رعیت و نفوس و اعراض آنها نیز به او تعلق دارد، به این معنا که رعیت در امور شخصی خود، تا زمانی مختار است که اراده پادشاهی برخلاف آن نباشد، در غیر این صورت هیچ‌گونه حقی برای آنها نیست. در چنین نظامی، اگر رعیت در مقام تظلمی برآید، باید به نحو التماس و استدعا از مالک علی‌الاطلاق، به وسیله تضرع، او را به ترحم و تلافی بیاورند وگرنه رعیت را در برابر پادشاه، حق سؤال و جواب و چون و چرا نیست. (همان: ۴۹۹)

وی با نقد نظام مذکور، آسیب‌شناسی دقیقی از تعرضات پادشاه و اطرافیان وی به حقوق مردم ارائه می‌دهد. در مورد اخذ خراج و مالیات از رعیت معتقد است در چنین نظامی حاکم و واسطه‌های وی هر چه بتوانند برای دولت خرج تراشی‌های متفرقه می‌کنند. (همان: ۵۰۳) همچنین قانون را در چنین نظامی، تأمین‌کننده منافع شخصی پادشاه که قبض و بسطش در دست خودش است می‌داند. (همان: ۴۹۹) و نیز مشاغل دولتی کارگزاران چنین حکومتی را به‌عنوان ابزاری در جهت منافع و مقاصد خویش و نه دلسوزی و رفع مشکلات توده مردم می‌داند. اگر هم این افراد در صدد درمان اندک معضلی برآیند به جهت بالا گرفتن فتنه عالم‌گیر در مملکت می‌باشد. (همان: ۵۰۶)



او اما مبنای سلطنت مشروطه و دولت محدوده را بر این می‌داند که فواید عامه و تمامی منافع سیاسی و آنچه موجب صلاح و رشاد و باعث تمدن و عمران مملکت است، به مجموعه سکنه آن مملکت متعلق می‌باشد. (همان: ۴۹۷) بر این اساس سلطنت مشروطه در نقطه مقابل سلطنت مطلقه قرار می‌گیرد وی در خصوص ملزومات این نوع از سلطنت می‌نویسد:

پس از آن که جهات عامه مدنیت و تمام مصالح تمدن و پیشرفت مملکت به افراد جامعه واگذار شد، به دلیل آن که تصمیم‌گیری تمام افراد جامعه دشوار است و اخذ نظریات افراد جامعه، مشکل خواهد بود، باید افراد جامعه، اشخاصی را تحت عنوان امین (نماینده) تعیین و جلب منافع و دفع مضار، منوط به نظر آنها شود، تا آنها درباره مسائل مذکور تفکر کرده و صلاح و فساد نوع را از روی مشورت نخبه و اثباتاً روشن سازند. افراد مذکور که وکیلان مردم می‌باشند، نتایج مذاکرات خود را به امنای دولت که واسطه بین آنها و پادشاه هستند، ارائه دهند و آنها نیز مباحث را به پادشاه که رئیس و مجری احکام مربوط به مملکت و جامعه است، عرضه داشته تا تصمیم اتخاذ شده را به ادارات دولتی، ابلاغ نماید. (همان: ۴۹۷)

در چارچوب ذیل، مردم، نمایندگان مردم، نمایندگان دولت (حواشی و اطرافیان) و پادشاه، مربع نظام سیاسی را تشکیل می‌دهند. (حسین‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۳۱) وی در تأیید این نظام سیاسی معتقد به:

تحدید نمودن اشغال پادشاهی و تقیید کردن اطلاق آن را به حدود و قیودی که به حسب نظر عقلا و سیاسیون مملکت به حال نوع مفید باشد و موجب قوام مملکت و باعث ازدیاد قوت و شوکت دولت و ملت گردد (محلاتی، ۱۳۷۴: ۴۹۸) می‌باشد.

در حکومت مذکور افراد جامعه با احاطه و وقوف به حقوق و منافع خویش خود در جهت دفع مفاسد از طریق نمایندگانشان اقدام می‌کنند. بر این اساس

مملکت ایران هم مطابق مذهب خود بایست در قانون اساسی ملی، جمیع موازین اسلامی را که هیچ نکته‌ای در آن فروگذار نشده و شرف و عزت دین و دنیای عامه مسلمین در حفظ آنها است، در عهده شناسند. (همان)

با توجه به استدلال‌های مذکور، محلاتی حکومت سلطنت مشروطه را «به حسب اقتضای این دوره و تحدید جور و ظلم به حدود و قیودی که مفید به حال نوع و موجب بقای مملکت اسلام» است می‌پذیرد. (همان: ۵۲۵) او معتقد است شکل سلطنت مشروطه در تقلیل ظلم، آن چنان بدیهی است که «شخص با انصاف - ولو کافر باشد - هرگز راضی نشود که دست و پای ظالم باز باشد». (همان: ۴۹۹ و ۵۰۰)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد محلاتی به سبب عدم دسترسی به امام معصوم و تشکیل حکومت سلطنتی ولایتی توسط وی، حکومت سلطنت مشروطه را «به حسب اقتضای این دوره و تحدید جور و ظلم به حدود و قیودی که مفید به حال نوع و موجب بقای مملکت اسلام» است مورد تأیید قرار می‌دهد. (همان: ۵۲۵) وی حکومت مذکور را در عصر غیبت یگانه راه نجات ملت و مملکت و تحقق بخشنده حقوق ملی معرفی می‌کند. محلاتی آنگاه به توضیح نهادهای نظام مشروطه و مفاهیم برآمده از نظام مذکور می‌پردازد. وی کارکرد اصلی مجلس شورای ملی را در صورت ورود افراد آگاه و بصیر به مقتضیات زمان و عالم به سیاست که طرح‌ها و لوایح مفید به حال مردم تصویب نمایند، دفع ظلم، تقلیل منکرات و احقاق حقوق ملت می‌داند. (محلاتی، ۱۳۷۴: ۵۳۰ - ۵۲۹) از دیگر کارکردهای مجلس، رفع فقر از جامعه ایران، به وسیله برنامه‌ریزی صحیح و نیز نظارت و کنترل بر عملکرد و دارایی حاکمان است. از نظر محلاتی چیزی که ملت ایران را به روز سیاه فقر و فلاکت نشانده، آن است که اسباب ثروت به کلی از مملکت آنها غروب کرده، بدین سبب، فقر و فلاکت از همه طرف به ما روی آورده است. (محلاتی، ۱۳۸۵: ۳۰۱) وی در جهت رفع معضل مذکور معتقد است: اول؛ باید اهل هر صنعت و حرفه براساس تخصص خود درآمدزایی نمایند. در این راستا باید تنها از اجناس بومی کشور استفاده و حتی المقدور از استفاده کالاهای خارجی اجتناب ورزیم تا محصولات بومی ترقی لازم را بیابند. دوم؛ کسب و اشاعه دانش کشاورزی و استخراج محصولات ارضی، سوم؛ دانش تشخیص معادن و استخراج از آنها و چهارم شناسایی نقاط آباد در گذشته که امروزه به سبب خرابی دیده نمی‌شود و استخراج آثار عتیقه این نواحی که چه بسا به لحاظ مالی برابر خزانه‌های سلطنتی باشد. (همان: ۳۰۱)

او همچنین شرعی بودن قوانین وضع شده از سوی مجلس را با نظارت فقیهان، بدون اشکال دانسته، به ذکر حیطة اختیارات حاکم شرعی و میزان دخالت و کیلان مردم در مجلس شورا می‌پردازد. از نظر وی به سبب آنچه در قانون اساسی ذکر شده است به هیچ عنوان امر تقنین نباید بدون حضور مجتهدان دینی باشد «تا امنای ملت به همراهی آنها در امور عامه مشورت کنند.» (همان: ۵۴۱) این افراد نمی‌توانند به اختیار شخصی خویش در این امور دخالت نمایند بلکه

فقط امین حقوق مسلمین و نگهبان آنها هستند به شبانی و دیده بانی او، جمیع حقوق اهل اسلام و معاهدین اسلام از هر گونه تعدی و تطاول مصون و محروس بماند ... پس این مطلب مورد ولایت نیست، بلکه موقع فتوا است که مجتهد از کتاب و سنت تحصیل نموده و به طریق فتوا به مردم ابلاغ می‌کند و مردم او را تقلید می‌نمایند ... حاصل سخن آن که حارس مصالح امت و حافظ حقوق نوع مسلمین در غیر معصوم علیه‌السلام، ولی در عمل و اجرا است که پس از تشخیص مصالح سیاسیه و تعیین منافع و فواید ملکیت به حسب نظر عقلای آنها هر چه اقتضا کند در مقام اجرا برآید و عمل کردن به آنها را وسیله حفظ ممالک اسلامی و حقوق ممالک مسلمین قرار دهد و

ولایت در مجرد حفظ و حراست حقوق ممالک مسلمین با وجود ثبوت آنها علی‌الاطلاق، (لا مقیدا بما هو مقتضی نظرالولی) زیاده بر این اقتضا ندارد. (همان: ۵۴۳ - ۵۴۱)

محلاتی همچنین هفت وظیفه پادشاه در نظام مشروطیت را برمی‌شمرد و عدول از آنها را موجب فساد در امور مملکت و فناى آن می‌داند. وظایف مذکور عبارتند از: اول؛ اخذ خراج و جلب اموالی مخصوصه (مالیات) از عموم رعیت برای مصارف نوعیه لازمه و طریقه تحصیلش ... به آن است که حکومت مخصوصی در هر یک از بلاد تعیین شود تا به توسط آن، آن چه مقرر شده، از رعیت دریافت نموده، به مرکز سلطنت ایصال نماید ... دوم؛ تشکیل قوه دفاعیه به تشکیل عساکر معلمه و اعداد آلات و ادوات حربیه به حسب آن چه زمان اقتضا کند ... سوم؛ دفع شر اشرار داخله و امنیت طرق و شوارع از قطاع الطریق و غیره و آن چه در این ادوار دولت استبدادیه مملکت ما مشاهده شده و می‌شود ... چهارم؛ قطع مواد معاند است و دفع خصومات واقعه ما بین رعیت ... پنجم؛ امور عامه و منافع کلیه که در مملکت دایر است ... بایست در تحت میزان صحیح مخصوصی باشد که باعث هرج و مرج نگردد و شعب و شئون این امر متعدد و مختلف است و هر یک در تحت ریاست مخصوصی واقع است ... ششم؛ حفظ ثنور مملکت از تعدیات اجانب و حملات آن‌ها و معلوم است که این کار در این ادوار، قشون منظم به طرز جدید لازم دارد. آلات دفاعیه که مناسب زمان است می‌خواهد ... هفتم؛ حفظ رعایای مملکت که در دول اجانب مقیم‌اند، و این مطلب در وقتی صورت پذیرد که اداره وزارت خارجه منظم باشد و همه شعب شئون آن در تحت قاعده منظمه و حد صحیح در آید ... (محلاتی، ۱۳۷۴: ۵۰۸ - ۵۰۲)

وی همچنین به ترسیم مختصات آزادی مورد نظر خویش در نظام مشروطه پرداخته است. وی به مانند دیگر فقهای حامی مشروطه آزادی را به هیچ عنوان آزادی از بندگی خداوند نمی‌داند. وی می‌نویسد:

حریت در دو مقام گفته می‌شود: یکی حریت و آزادی مردم است از قید رقیت استبداد و دیگری حریت و آزادی آنها از قید رقیت و عبودیت خدایی که لازمه مخلوقیت خلق و امکان آنها است و حاصل مفاد اول آن که حقوق ملت در چنگال آهنین سلطنت استبدادیه اسیر و دستگیر نباشد ... بلکه در حقوق مملکتی خود آزاد باشند که مصالح و مفاسدی که راجع است به آن‌ها، به توسط امنای خود ملحوظ نمایند و در تحت قانون منضبط درآورند تا که ادارات دولت بر طبق آن قوانین حرکت کنند و لازمه رها بودن از قید این عبودیت و خلاص شدن از ذلّ این اسارت، آزادی اقلام و افکار و مطلق حرکات و سکنات خلق است در جلب منافع عامه و دفع مضارّ نوعیه از عامه ملت و این است مراد از حریت و آزادی که از لوازم سلطنت مشروطه در مقابل سلطنت مستبده شمرده می‌شود و اما حریت و آزادی مردم از قیود دینیّه و قانون الهی و خودسری آنها در فواحش و منکرات شرعیّه، پس آن امری است که تمام ملّیین که قائلند به وجود واجب‌الوجود و به بعثت نبی‌ای از انبیا، بر خلاف آن متفقند. (همان: ۵۲۰)

بدین سان آزادی به معنای آزاد بودن تمامی مردم از هر گونه تعدی دیگران چه شاه و دستگاه حاکمه و چه دیگران به این امور می‌باشد. این امر تنها براساس اقتضانات قانون اساسی تحدید می‌گردد. قانون اساسی نیز در همه جای دنیا براساس خصوصیات عرفی و غیرعرفی متفاوت می‌باشد. و بر این اساس مملکت ایران هم مطابق مذهب خود بایست در قانون اساسی ملی، جمیع موازین اسلامی را که هیچ نکته‌ای در آن فروگذار نشده و شرف و عزت دین و دنیای عامه مسلمین در حفظ آنها است، در عهده شناسند. (همان: ۵۲۰ و ۵۲۲)

یکی دیگر از مفاهیم مورد تأکید محلاتی که بسیار مورد مناقشه علمای مشروعه‌خواه قرار گرفت، مفهوم برابری یا مساوات می‌باشد. علمای مشروعه‌خواه تفاوت‌های زیاد در احکام شریعت میان مؤمن و کافر، بالغ و نابالغ، ممیز و غیرممیز، عاقل و دیوانه، مرد و زن و ... را مورد توجه قرار داده و بر این اساس بر تلقی علمایی مانند محلاتی از این مفهوم خدشه وارد می‌کردند. اما محلاتی در این باره معتقد است برابری نه به معنای نادیده انگاشتن تفاوت‌های شرعی بلکه به معنای برابری همگی افراد در موقعیت‌های سیاسی در برابر حکم قانون می‌باشد. او می‌نویسد:

مساوات به این معنی است که هر حکمی که به هر عنوانی از عناوین شرعی یا عرفیه بار باشد، در اجرای آن حکم فرقی مابین مصادیق آن گذارده نشود؛ مثلاً زانی حد می‌خورد، هر که باشد، سارق دستش بریده می‌شود، هر که باشد و هکذا در عناوین دیگر. هر کس که در تحت آن عنوان داخل شد حکم آن عنوان بر او جاری است؛ شاه باشد یا گدا، عالم یا جاهل، قوی یا ضعیف ... نه آنکه معنای مساوات چنان باشد که ... جمیع عناوین مختلفه که حکم آنها مختلف است، از ما بین خلق برداشته شود و همه اصناف خلق به یک چوب رانده شوند؛ مثلاً حاضر و مسافر در حکم یکی باشند و هکذا فاسق و عادل و مجتهد و عامی و غیره و غیره. (محلاتی، ۱۳۷۴: ۵۱۲)

وی همچنین توجه زیادی به عامل استبداد داخلی دانسته و آن را علت العلیل مشکل انحطاط و ضعف مسلمین تلقی می‌کند. وی بر این اساس معتقد است عامل این انحطاط، استیلای سلطنت خودخواه، شهوت‌ران، خودپرست بر تمامی حقوق ملی و مسلوب‌الحق بودن آنها در تمام مصالح و مفاصد مملکتی که وسیله تحصیل عزت و شرف آنهاست این جوامع را بدین روزگار سیاه کشانده است. (همو، ۱۳۸۵: ۲۹۷)

محلاتی معتقد است این چپاول اموال رعیت و مصرف آن در مصارف شخصی، حکمای ایران را نیز به سرنوشت دیگر ممالک اسلامی مانند تونس، اندلس، الجزایر، هند و ... دچار و به سرنوشت دیگر اجانب گرفتار خواهد کرد. (همان) همچنین این استبداد را نه تنها موجب مفاصد دنیوی بلکه موجب فساد دین مسلمانان نیز می‌داند. (همو، ۱۳۷۴: ۵۱۰) وی در جهت درمان معضل مذکور، بر انجام «اصلاح» تأکید می‌ورزد. اصلاح در نظر وی سه قسم دارد: اصلاح سیاسی، اصلاح علمی و اصلاح ادبی. در زمینه اصلاح سیاسی بر اصلاح

مفاسد، رفع معایب ادارات و تقیید و ارباب نفوذ و تحدید رفتار آنان، مسئولیت وزرا، تأسیس قانون اساسی، مشاوره دانایان و عقلای مملکت و ملت، به یک سو نهادن استبداد، خودرأیی، تعیین وظایف و تکالیف جمیع ناس و عموم اهالی و افراد مملکت از مأمورین و رعیت و تسهیل طرق تحصیل ثروت، تسدید اداره عسکریه، اتقان فلاحت و زراعت و اقتصاد و ... تأکید می‌ورزد. (همان: ۳۰۸) محلاتی در زمینه اصلاح علمی بر نظر نمودن در معارف و علوم و اصلاح مدارس و مکاتب و تنقیح وزارت معارف و علوم و کتب و رسائل و جراید علمیه و تهذیب اخلاق طالبان علم و تأسیس جمعیات علمیه و تسهیل طرق تعلیم و نشر مجلات و جراید و روزنامه‌جات و کشف غوامض و اسرار مسائل مشکله و بیان آنها به عبارت ساده قریب به فهم عوام و انتشار معالم و عوائد دینیه از اصول و فروع و بیان آنها به اسهل مایکون تأکید می‌ورزد. (همان)

همچنین در زمینه شقّ سوم یعنی اصلاح ادبی بر اصلاح آنچه عامه ناس بر آن‌اند از آداب و عواید و اخلاق و واداشتن آنها به پیروی طریقه حقه مستقیم اسلامیّه و جد و جهد در ترک اشیا خارجه از دین مقدس اسلام و جمود بر فرمایشات و اوامر صاحب شریعت تأکید می‌ورزد. (همان: ۳۰۹ - ۳۰۸)

وی قسم اخیر اصلاح را مهم‌ترین نوع اصلاح و انجام آن را وظیفه خاصه عالمان دینی می‌داند. وی معتقد است این نوع از اصلاح رساننده جامعه به سعادت مادی و معنوی است. (همان: ۳۰۹)

او همچنین پدیده استعمار را از دریچه انحطاط و ضعف داخلی مسلمانان که ناشی از استبداد امراء و سلاطین استبدادی و سکوت علمای دین و ... است، نگریسته و آن را از بین برنده دنیا و دین مسلمانان در چهره‌های گوناگونی مانند تجارت، استقراض خارجی، حمایت و اصلاح و ... می‌داند. (همان: ۵۳۹ - ۵۳۸) اما محلاتی نفی مطلق غرب را باور ندارد. او معتقد است باید بدون اینکه مذهب خود را از دست دهیم و درست بفهمیم که صنعت یاد گرفتن، ربطی به مذهب ندارد و مجرد اینکه اختراع صنعتی از کافری شد باعث این نشود که اهل اسلام با وجود احتیاج به آن چشم از آن بپوشند ... (همان: ۵۱۴) بر این اساس محلاتی معتقد است باید با حفظ فرهنگ و هویت دینی خویش ضرورت دستیابی به پیشرفت، ترقی و استفاده از وجوه فناوری صنعتی دول غربی را به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار داد.

### شاخصه‌های ابعاد دین در فلسفه سیاسی شیخ اسماعیل محلاتی

در اندیشه محلاتی، به شاخصه‌هایی از دین که نشان دهنده ابعاد متناظر با آن می‌باشند، اشاره شده است. این شاخصه‌ها و ابعاد متناظر با آن عبارتند از:

#### ۱. بعد شعائر یا عملی

۱. نظام سلطنتی مشروطیت بهترین نظام سیاسی حافظ دین در عصر غیبت (نهی منکرات، رفع ظلم، حفظ حدود و ثغور اسلام)؛

۲. توجه به مساوات در معنای شرعی آن یعنی در نظر گرفتن تفاوت‌های شرعی و برابر دانستن همگی افراد مخاطب قوانین شریعت؛
۳. توجه به نسبت درست میان مذهب و قانون (لزوم گنجاندن موازین شرعی در قانون اساسی، نظارت فقها بر قوانین مجلس به سبب انطباق این مصوبات با مذهب)؛
۴. آزادی نه به معنای رهایی از قیودات و احکام دینی بلکه به معنای آزادی مردم از استبداد، ظلم و زورگویی که نافی شریعت است، می‌باشد.

## ۲. بعد تشکیلاتی یا اجتماعی

۱. توجه به نهاد روحانیت به عنوان وجه درونی بعد تشکیلاتی دین به عنوان نهاد تحقق‌بخشنده اصلاح ادبی (اخلاق، سعادت و کمال جامعه، زدودن بدعت از دین و ...)
۲. سکوت علمای دینی به عنوان یکی از عوامل مؤید استبداد و انحطاط داخلی؛
۳. سلطنت مطلقه ولایتیه همان حکومت امام معصوم به عنوان بهترین شکل حکومت و تحقق بخشنده مصالح و فواید توده.

## شاخصه‌های ابعاد هویت ملی در فلسفه سیاسی شیخ اسماعیل محلاتی

همچنین ابعاد و شاخصه‌های هویت ملی در اندیشه محلاتی عبارتند از:

### ۱. هویت ملی سیاسی

۱. انگاشتن سیاست به منزله تحدید قدرت سیاسی در قلمرو عرف (منبع قدرت نظام سیاسی)؛
۲. حکومت مشروطه، حکومت حافظ دین و دنیای مردم، رافع ظلم و حافظ حقوق افراد جامعه با نهاد مجلس، ناهمی منکرات و حافظ حدود و ثغور اسلام و مقوم شوکت دولت و ملت (علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی دارای ارزش‌های همه پسند در کشور)؛
۳. آسیب‌شناسی و نفی نظام سلطنت استبدادی به جهات مختلف از جمله تعرض به حقوق مردم، قانون در دست پادشاه و تأمین‌کننده منافع او و اطرافیان، یگانه راه نجات ملت و مملکت و تحقق بخشنده حقوق ملی و ... (نگاه و نگرش به جایگاه و نقش حکام در جامعه)؛
۴. نظارت فقها بر مصوبات مجلس به عنوان امانت دار و نگهبان حقوق مسلمین (نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور)؛
۵. ترسیم وظایف پادشاه در نظام مشروطیت با عناوینی مانند اخذ مالیات از مردم برای مصارف نوعیه، تشکیل قوه دفاعی، تأمین امنیت داخلی، دفع خصومت‌های میان مردم، دفع تهدیدات خارجی، حفظ حقوق اتباع خارج از ایران و ... (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه)؛

۶. آزادی به‌معنای آزادی از استبداد (چه شاه و چه دیگران) و منطبق با مذهب رسمی کشور در چارچوب قانون اساسی و تأمین‌کننده آزادی بیان (افکار، قلم و ...) (جایگاه و نقش مردم در رابطه با حکام در نظام سیاسی)؛  
۷. استبداد داخلی (اعمال توسط سلطنت استبدادی و از بین برنده حقوق ملی) علت العلل مشکل انحطاط و ضعف مسلمین و مقدمه استعمار خارجی و به وجود آورده مفاسد دنیوی و دینی مردم (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه).

## ۲. هویت ملی جغرافیایی

لزوم رفع فقر با حمایت از کالاهای وطنی، کسب و اشاعه دانش کشاورزی و استخراج محصولات ارضی، لزوم کسب دانش تشخیص معادن و استخراج از آنها و استخراج کالاهای عتیقه (دلبستگی و تعلق به سرزمین ایران).

## ۳. هویت ملی فرهنگی

استفاده از وجه مثبت تمدن غربی (صنعت و فناوری) با حفظ هویت فرهنگ و هویت ملی (ارزش گذاری نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی).

## ۴. هویت ملی اجتماعی

۱. برابری و مساوات به‌معنای برابری همگی افراد در موقعیت‌های سیاسی در برابر حکم قانون (نگرش نسبت به دیگران متعلق به ملت)؛  
۲. درمان استبداد به وسیله اصلاح سیاسی (تغییر ساختار سیاسی به مشروطیت)، اصلاح علمی (ترقی حوزه‌های آموزشی) و اصلاح ادبی (بدعت زدایی و تبیین دین در جهت اصلاح اخلاق عمومی مردم و پیروی از راه مستقیم) (تعهد به حفظ جامعه ملی ایرانی).

## نسبت‌سنجی شاخصه‌های دین و هویت ملی

انطباق ابعاد و شاخصه‌های دین و هویت ملی در اندیشه محلاتی نشان‌دهنده نسبت‌های تعاملی ذیل می‌باشد:

۱. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) = بعد سیاسی هویت ملی (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه)

محلاتی نظام سیاسی مشروطه را در چارچوب اجرای احکام اسلام توسط نظام مذکور مورد پذیرش قرار می‌دهد. بر این اساس آنچه به‌عنوان وظایف پادشاه مانند حفظ امنیت داخلی و خارجی، دفاع از حقوق اتباع خارج از کشور و ... در نظام سیاسی مشروطه مورد تأکید قرار می‌دهد با دین نه‌تنها متنافی بلکه متناظر می‌باشد. در واقع چنین

کارکردهایی در مشروطیت ضامن اموری مانند نهی از منکر، رفع و تقلیل ظلم و حفظ حدود اسلامی می‌باشد. بدین ترتیب در اندیشه محلاتی، بعد شعائر دینی با مؤلفه‌های مذکور با بعد سیاسی هویت ملی با شاخصه (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه) دارای نسبت تعاملی می‌باشد.

### ۲. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) - بعد سیاسی هویت ملی (نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور)

ضمانت اجرای احکام اسلام در چارچوب بعد شعائر دینی و اعتقاد وی به اصل «نظارت فقها بر مصوبات مجلس به‌عنوان ضامن حقوق مسلمانان» که در چارچوب بعد سیاسی هویت ملی با شاخصه (ساختار قدرت مناسب برای کشور) مورد تأکید وی است، نشان دهنده انطباق میان دین و هویت ملی در چارچوب مؤلفه‌های مذکور می‌باشد. توضیح آنکه مشروطه مورد نظر محلاتی مانند دیگر علمای هم فکر وی در صورتی می‌تواند مجری احکام دینی باشد که نظارت فقها بر انطباق مصوبات مهم‌ترین نهاد آن یعنی مجلس با اسلام، صورت پذیرد.

### ۳. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) - بعد اجتماعی هویت ملی (تعهد به حفظ جامعه ملی ایرانی)

یکی از مواردی که در اندیشه محلاتی مورد تأکید می‌باشد توجه به معضلات جامعه ایرانی و راهکارهایی جهت اصلاح و درمان این معضلات است. اصلاحات مورد تأکید وی که شامل اصلاحات سیاسی، اصلاحات علمی و اصلاحات ادبی می‌باشد نه تنها مورد پذیرش بلکه مورد تأکید دین اسلام (با نگاه نوگرایانه وی) می‌باشد. در واقع نوع نگاه محلاتی به دین در این راستا در چارچوب استدلال در جهت اجرای حدود و احکام اسلامی به وسیله نظام مشروطه نتیجه‌ای جز تأیید اصلاح ساختار سیاسی، اصلاح ساختار علمی و اصلاح ادبی در راستای رفع برداشته‌های قشری مآبانه و محافظه‌کارانه و بدعت‌پذیرانه از دین نخواهد داشت. از این رو اجرای احکام دینی نیازمند انجام چنین اصلاحاتی در جامعه ایران و ضامن حفظ جامعه ملی ایران به‌عنوان شاخصه‌ای از بعد اجتماعی هویت ملی در اندیشه محلاتی می‌باشد.

### ۴. بعد شعائر دینی (برابری شرعی) - بعد سیاسی هویت ملی (عاملیت استبداد سیاسی در نفی حقوق ملی) (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه)

در اندیشه دینی محلاتی توجه فراوانی به مفهوم برابری شرعی گشته است. تأکید وی بر این مفهوم همان‌طور که بارها در کتاب *النالی* اشاره داشته است به معنای عدم توجه به تفاوت‌هایی که شرع اسلام در خصوص مخاطبین احکام شرعی مانند زن و مرد، مؤمن و کافر و ... مورد نظر قرار می‌دهد، نمی‌باشد. بلکه برابری در نظر وی به معنای این است که مخاطبین احکام شرعی در یک مصداق خاص هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. به‌عنوان مثال در اجرای حکم قصاص تفاوتی میان شاه و گدا نیست. انطباقی که میان این بعد



از دین با بعد سیاسی هویت ملی با شاخصه نگرش به جایگاه حکام در جامعه در اندیشه محلاتی وجود دارد بدین صورت است که حاکمیت استبداد که در شخص پادشاه مستبد تبلور یافته است برابری شرعی را نیز مورد خدشه قرار داده، تبعیض و فساد را وارد این حوزه کرده و موجب عدم اجرای آن می‌گردد. همچنین اندیشه محلاتی گویای انطباقی است که میان برابری شرعی و حقوق ملی وجود دارد. همان‌طور که میان مصادیق حکم شرعی هیچ تفاوتی وجود ندارد، قانون اساسی و مصوبات مجلس مورد تأیید فقها نیز در این راستا حقوقی را برای تمامی ایرانیان به رسمیت شناخته است که مورد تأیید شریعت اسلام می‌باشد. بدین سان در اندیشه محلاتی برابری شرعی و برابری در حقوق سیاسی به‌عنوان شاخصه‌های دو بعد شعائر دینی و بعد سیاسی هویت ملی (نقش حاکمان در جامعه) دارای تعامل و انطباق می‌باشند.

#### ۵. بعد شعائر دینی (آزادی شرعی) - بعد سیاسی هویت ملی (منبع قدرت نظام سیاسی)

تلقی محلاتی از دستگاه سیاست براساس شاخصه محدود کردن قدرت و استبدادزدایی از آن می‌باشد. بدین سان منبع قدرت در اندیشه سیاسی وی به هیچ‌عنوان از یک فرد نشئت نمی‌گیرد. استبدادستیزی محلاتی در چارچوب مذکور کاملاً با اندیشه دینی وی انطباق پذیر است. بدین صورت که آزادی شرعی را نیز نه به‌معنای آزاد بودن از قیودات و احکام دینی بلکه در معنای آزادی و رهایی از استبداد و ظلم که در تضاد با شریعت است به کار می‌برد.

#### ۶. بعد تشکیلاتی دین (نهاد روحانیت) - بعد سیاسی هویت ملی (نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور)

محلاتی توجه ویژه‌ای به نهاد روحانیت (تبلور بعد درونی تشکیلاتی دین) در امر اصلاح ادبی جامعه دارد. یکی از موارد اساسی انطباق میان بعد مذکور با بعد سیاسی هویت ملی که به نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور اشاره دارد، نقشی است که وی برای نهاد روحانیت و نظارت آن بر مصوبات مجلس در نظر می‌گیرد. نظارت مذکور در راستای تحقق وجه اصلاحی مورد نظر محلاتی در انطباق قوانین مصوب و شرع صورت می‌پذیرد.

### نتیجه

شیخ اسماعیل محلاتی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان طرفدار نظام سیاسی مشروطیت، با رویکردی تعامل‌گرایانه به شاخصه‌های ابعاد گوناگونی از دین و هویت ملی طرحی پویا از فلسفه سیاسی مشروطیت ارائه کرد. بدین صورت که در فلسفه سیاسی وی دین و هویت ملی نه به‌عنوان مفاهیمی متضاد بلکه در سنتزی مفهومی، فلسفه سیاسی شگرفی پدید آورده که در آن میان ابعاد و شاخصه‌هایی از هویت ملی و دین نسبت‌هایی تعاملی برقرار گشته است. نسبت‌های مذکور به اختصار عبارتند از:

۱. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) - بعد سیاسی هویت ملی (نگاه

و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه؛

۲. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) - بعد سیاسی هویت ملی (نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور)؛

۳. بعد شعائر دینی (نظام سیاسی مشروطیت ضامن اجرای دستورات دینی) - بعد اجتماعی هویت ملی (تعهد به حفظ جامعه ملی ایرانی)؛

۴. بعد شعائر دینی (برابری شرعی) - بعد سیاسی هویت ملی (عاملیت استبداد سیاسی در نفی حقوق ملی) (نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه)؛

۵. بعد شعائر دینی (آزادی شرعی) - بعد سیاسی هویت ملی (منع قدرت نظام سیاسی)؛

۶. بعد تشکیلاتی دین (نهاد روحانیت) - بعد سیاسی هویت ملی (نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور).

## منابع و مأخذ

۱. ابوالحسنی، سید رحیم، ۱۳۸۷، *مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان، ص ۲۲ - ۱.
۲. اکبری، محمدعلی، ۱۳۹۳، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی، عصر قاجاریه و پهلوی اول*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
۳. بنی‌هاشمی، میرقاسم، ۱۳۸۳، *فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه*، در کتاب *خاورمیانه، ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۴. پزشکی، محمداسماعیل، ۱۳۹۰، «اسماعیل محلاتی»، به نقل از کتاب: *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، ج ۱۰، به کوشش علی‌اکبر علیخانی و همکاران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. حسین‌زاده، احمد، ۱۳۸۲، «مروری بر حیات و اندیشه سیاسی شیخ محمداسماعیل غروی محلاتی»، *فصلنامه آموزه*، شماره ۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تابستان، ص ۳۴۰ - ۳۲۱.
۶. حسینی‌شاهروودی، سید مرتضی و سید جواد تجری، ۱۳۸۳، *تعریف و خاستگاه دین*، مشهد، نشر آفتاب دانش، چ ۱.
۷. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۰، *میانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. قوام، عبدالعلی و افشین زرگر، ۱۳۸۸، *دولت‌سازی، ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل*، چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت‌ها، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

نسبت‌سنجی ابعاد دین و هویت ملی در فلسفه سیاسی شیخ اسماعیل محلاتی □ ۱۳۳

۹. محلاتی، محمداسماعیل، ۱۳۷۴، رساله «الثالی المربوطه فی وجوب المشروطه»، به نقل از: غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت، تهران، نشر کویر.

۱۰. محلاتی، محمداسماعیل، ۱۳۷۴، رساله «لایحه وجوب مشروطه»، به نقل از: مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، حسین آبادیان، به انضمام رسائل علمای موافق و مخالف مشروطه، تهران، نشر نی.

۱۱. محلاتی، محمداسماعیل، ۱۳۸۵، «ارشاد العباد الی عمارة البلاد»، به نقل از کتاب: نجفی، موسی، حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۳.

